

فهرست نویسی نسخ خطی در کتابخانه ملی ایران: روندها و رویه‌ها

ایوب نازی | سکینه قاسم پور

چکیده

هدف: در ایران برای فهرست نویسی نسخ خطی دیدگاه‌ها و رویه‌های متعدد وجود داشته و دارد. براساس تفاوت‌های موجود فهرست نویسی نسخ خطی در ایران به سه شیوه تقسیم شده است: ۱. سنتی ۲. میانه ۳. مدرن. پژوهش حاضر به بررسی فهرست‌های بیست و دو جلدی کتابخانه ملی بر اساس مشخصات این سه دوره پرداخته است.

روش/رویکرد پژوهش: داده‌های پژوهش براساس سیاهه‌های متشکل از ۲۳ معیار از یک نمونه ۱۵۰ فهرست برگه‌ای گردآوری شده است. یافته‌ها: شیوه‌های فهرست نویسی میانه و مدرن، در بیست و دو جلد فهرست نسخ خطی کتابخانه به کار رفته است: مجلدات اول تا دوازدهم دارای شیوه میانه، مجلدات سیزدهم و چهاردهم دارای شیوه‌ای بینابین، جلدهای پانزدهم تا بیست و دوم نیز دارای شیوه فهرست نویسی مدرن‌اند. حضور عناصر سیاهه واری در بیست و دو جلد فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی توسط آزمون کروسکال والیس نشان داد که تفاوت معناداری در شیوه کار فهرست نویسان از نظر انعکاس دادن عناصر فهرست نگاری نسخ خطی در فهرست وجود دارد. نتیجه‌گیری: فهرست‌های دارای شیوه مدرن دارای بیشترین مطابقت با عناصر سیاهه واری بودند. همچنین با استفاده از مطالعه تطبیقی بین سه دسته مورد بررسی مشخص شد فهرست‌های اخیر دارای روال یکدست و مشخص‌تری هستند و تناسب و اعتدال بیشتری در زمینه میزان اطلاعات ارائه شده در زمینه کتابشناسی و نسخه‌شناسی داشتند.

کلیدواژه‌ها

فهرست نویسی نسخ خطی، کتابخانه ملی، شیوه‌های فهرست نویسی

فهرست‌نویسی نسخ خطی در کتابخانه ملی ایران: روندها و رویه‌ها

ایوب نازی^۱ | سکینه قاسم‌پور^۲

دریافت: ۱۳۹۰/۲/۲۱ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۸

مقدمه

فهرست‌نویسی نسخ خطی، به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از کلیت فهرست‌نویسی، فرآیندی است که به‌صورت نظام‌مند به گردآوری و استخراج اطلاعات کتابشناسی، نسخه‌شناسی، و تحلیلی-موضوعی از یک کتاب خطی در دست فهرست‌نویسی می‌پردازد. فهرست‌نگاری نسخ خطی دارای کارکردی دویبعدی است: (۱) کمک به کاربر نهایی، و (۲) خدمت به نسخه خطی. هدف فهرست‌نگاری نسخ خطی، از بُعد کمک به کاربر نهایی، شناسایی کتاب‌های مورد نیاز، بازیابی و استفاده از آن است. همچنین، کارکرد فهرست‌نگاری کتاب‌های خطی، از جنبه خدمت به نسخه خطی عبارت از ورود کتاب خطی به چرخه استفاده، توسط نیازمندان و طالبان اطلاعات و نقش‌آفرینی آن در تولید علم و دانش است. این امر موجب دگرگونی توجه به کتاب خطی از یک شیء کلکسیون و موزه‌ای به یک محمل اطلاعاتی و قابل استفاده می‌گردد.

برخلاف شیوه فهرست‌نویسی کتاب‌های چاپی در کشور- که در آن از یک رویه واحد پیروی می‌شود- برای فهرست‌نویسی نسخ خطی دیدگاه‌ها و رویه‌های متعدد و متفاوتی وجود داشته و دارد. فهرست‌نویسی در ایران به سه شیوه صورت می‌گیرد: (۱) سنتی، (۲) میانه، و (۳) مدرن (نازی، ۱۳۸۹؛ عظیمی و نازی، ۱۳۸۹).

شیوه سنتی، شیوه‌ای است که از سده دوم و سوم هجری در بین دانشمندان اسلامی رواج یافت و فهرس متعددی به این شیوه تدوین گردید. در این شیوه، بیشتر تأکید بر تهیه

۱. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی
(نویسنده مسئول)

Ayoobnazi@gmail.com

۲. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی
نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور
S.ghasempor@gmail.com

فهرست‌های سیاهه مانند و برشمردن آثار بوده است. یکی از نمونه‌های اینگونه فهرست‌نگاری از دوران اولیه (غیرایرانی) *الفهرست* ابن ندیم است. از نمونه‌های متأخر (ایرانی) این شیوه فهرست‌نگاری نیز باید به *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، از شیخ آقابزرگ طهرانی، اشاره کرد. شیوه میانه، از نظر ویژگی‌های فهرست‌نگاری، از سال ۱۳۰۵، با انتشار اولین جلد از فهرست کتاب‌های کتابخانه آستان قدس شروع شد^۳ در کار تمام فهرست‌نگاران این شیوه، فهرست‌ها، در کلیت مربوط به ذکر دو بخش کتابشناسی و نسخه‌شناسی، دارای وجوه مشترکی می‌باشند. اما در ریزه‌کاری و تقدم و تأخر فیلدهای اطلاعاتی، تعداد فیلدهای ضروری که برای هر بخش از کتابشناسی و نسخه‌شناسی باید ذکر گردد و میزان تفصیلی که هر فیلد باید داشته باشد، هماهنگی وجود ندارد و هر فهرست‌نویس اسلوب خاص خود را دنبال می‌کند. از فهرست‌نگاران مشهور این شیوه (که اکثریت فهرست‌نگاران دوره معاصر ایران را تشکیل دادند) باید به افرادی مانند سیدعبدالله انوار، احمد منزوی، و علی‌نقی اشاره کرد.

نقطه آغاز شیوه نوین را می‌توان در کار کتابخانه ملی مشاهده کرد. برخی ویژگی‌های آن عبارت‌اند از: مستند کردن موضوعات و اسامی، سرشناسه قراگرفتن پدیدآور به جای عنوان کتاب، دادن شناسه افزوده به کاتب، و مانند آن. از فهرست‌نگاران این دوره می‌توان این افراد را نام برد: حبیب‌الله عظیمی، ضمیره امیری، و رضا خانی پور^۴.

بر فهرست‌های هر یک از شیوه‌ها، اصول و قواعدی کلی حاکم بوده است. برای نمونه، در شیوه سنتی، بخش‌بندی برای اطلاعات ثابت و متغیر^۵ هر کتاب وجود ندارد و میزان اطلاعات ارائه شده برای فهرست مختصر است. در شیوه میانه، هر فهرست نسخه خطی باید دارای دو قسمت باشد: کتابشناسی و نسخه‌شناسی. اطلاعات ثابت، معین و غیرقابل تغییر در کتاب خطی خاص، جزء بخش کتابشناسی است، مانند مطالبی درباره عنوان، زبان، موضوع، و مؤلف. اطلاعات غیر ثابت، نسبت به نسخه‌های متعدد از کتاب خاص، جزء نسخه‌شناسی محسوب می‌شود، مانند مطالبی درباره کاغذ، تعداد و اندازه اوراق، نوع خط، و تعداد سطور (عظیمی و نازی، ۲۰۱۱).

در شیوه مدرن، لزوم تقسیم دوره میانه حفظ نشده و نمی‌شود؛ بلکه هر برگه فهرست‌نویسی می‌تواند متشکل از سه بخش باشد: کتابشناسی، نسخه‌شناسی، و تحلیل موضوعی. نمونه این قالب در کاربرگه جدید کتابخانه ملی و به‌نحو بارزتر، در کاربرگه پیشنهادی براساس پژوهشی انجام شده در سال ۱۳۸۹ آمده است^۶.

چندین پژوهش درباره فهرست‌نگاری نسخ خطی، چندین پژوهش، در ایران و جهان انجام گرفته است. عظیمی و نازی، در مقاله‌های «بررسی فهرست‌نویسی نسخ خطی در پنج کتابخانه بزرگ ایران» (۲۰۱۱)، و «تحلیل فهرست‌نگاری نسخ خطی در ایران از جنبه وجود یا

۳. این تاریخ شروع به این معنا نیست که تمامی فهرست‌نگاران این دوره از شیوه میانه پیروی کرده‌اند، بلکه روش سنتی نیز در این دوره در کنار روش میانه امتداد داشته است همانگونه که در عصر حاضر نیز روش میانه در کنار روش مدرن جریان دارد.
۴. علاوه بر این استادان کار فهرست‌نگاری تمامی فهرست‌نگاران کنونی نسخ خطی در کتابخانه ملی بر اساس این شیوه است.
۵. اطلاعات ثابت عبارت است از بخش کتابشناسی و موضوعی که برای یک عنوان همواره ثابت است. اطلاعات متغیر عبارت از اطلاعات بخش نسخه‌شناسی است که بر پایه نسخه در دست فهرست‌نگاری بدست می‌آید.
۶. ایوب نازی (۱۳۸۹)، «بررسی وضعیت فهرست‌نویسی نسخ خطی در ایران و ارائه الگوی مناسب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه شهید بهشتی.

عدم وجود الگو در آن و ارائه راهکارهای بهبودی در جهت ایجاد قالب استاندارد ملی^۷ در سال (۱۳۹۰) وضعیت فهرست‌نویسی نسخ خطی در ایران و میزان حضور عناصر کتابشناسی و نسخه‌شناسی و موضوعی را بررسی کرده‌اند.

خوشبخت (۱۳۸۸)، میزان پراکندگی عناصر کتابشناختی پیشینه‌های نسخ خطی در بانک نسخ خطی خانه کتاب را در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تبیین کرده است. عظیمی (۱۳۸۷)، به بررسی تفاوت‌های دوره‌ای فهرست‌نویسی نسخ خطی در دو دوره سنتی و نوین پرداخته است.

غالی نصر^۷ (۲۰۰۷)، به بررسی تنوع فهرست‌نویسی نسخ خطی در مؤسسه‌های مصری و چگونگی انطباق این روش‌ها پرداخته است. ای. توره^۸ (۲۰۰۷)، فهرست‌نویسی نسخ خطی آرایه‌مند^۹ و دسترسی به آنها را بررسی، و مشکلات موجود در زمینه توصیف محتوا و توصیفات تذهیب و آرایه‌ها در نسخ خطی ماقبل مدرن (باستان، میانه، رنسانس) و ضرورت ارزشیابی مجدد قواعد موجود را مطرح کرده و در نهایت براساس استاندارد ای. ای. سی. آر. ۲. و ای. ام. آر. ای. ام. ام.^{۱۰} پیشنهادهایی را ارائه کرده است.

در ایران، مجموعه‌های گسترده‌ای از فهرست‌های نسخ خطی چاپ شده است که هر کدام دارای ویژگی‌های خاص خود است. علاوه بر آن، در مجموعه فهرست‌های متعلق به یک کتابخانه نیز از لحاظ سبک و شیوه تفاوت‌هایی وجود دارد. بنابراین، لازم است سیر تحول فهرست‌نگاری در هر کتابخانه به صورت دقیق بررسی گردد.

کتابخانه ملی، به‌عنوان یکی از مجموعه‌های غنی نسخ خطی در ایران، با دارا بودن بیست‌و دو جلد فهرست چاپ شده از مجموعه خود، دارای جایگاهی والا و ارزشمند است؛ ولی با نگاهی به فهرست‌های آن تفاوت‌هایی در کار استادان پیشکسوت و نسل بعدی به چشم می‌خورد. تحقیق حاضر در پی آن است تا با بررسی روند تحول شیوه فهرست‌نویسی نسخ خطی در مجموعه فهرست‌های این کتابخانه، با استفاده سیاهه و ارسی و شیوه تطبیقی، به سؤال‌های زیر پاسخ دهد:

۱. میزان حضور عناصر سیاهه و ارسی در فهرست‌های مورد بررسی چقدر است؟

۲. هر یک از مجلدات اول تا بیست و دوم در کدام یک از دوره‌های سه‌گانه فهرست‌نگاری

نسخ خطی در ایران قرار می‌گیرند؟

۳. آیا در شیوه فهرست‌نویسی و حضور عناصر سیاهه و ارسی، بین فهرست‌های چاپ

شده از نسخ خطی موجود در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

7. Ghali Nasr
8. E. Torre
9. Illuminated manuscripts
10. Descriptive Cataloging
of Ancient, Medieval,
Renaissance, and Early Modern
Manuscripts (AMREMM)

روش پژوهش

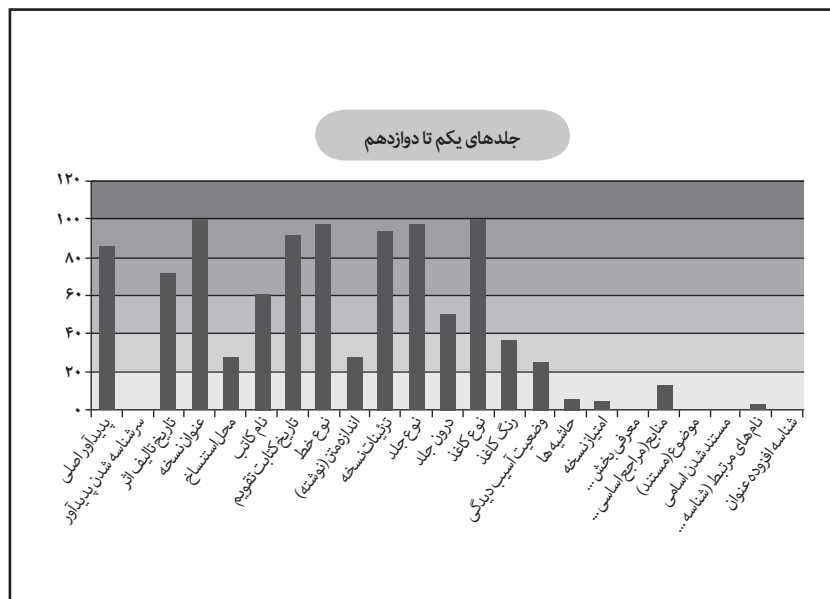
این پژوهش، به روش پیمایشی توصیفی انجام شده است و داده‌های مورد نیاز با استفاده از سیاهه واری گردآوری شده است. سیاهه واری براساس تحقیقات پیشین و عناصر موجود در فهرست‌های ایرانی^{۱۱} با ۲۳ معیار تهیه گردید.

جامعه آماری پژوهش از بین ۲۲ جلد فهرست کتابخانه ملی به صورت طبقه‌ای، به تعداد ۱۵۰ فهرستبرگه، از کل جامعه آماری انتخاب شد. دلیل استفاده از شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای، اختصاص حجم نمونه به هر جلد فهرست براساس حجم آن نسبت به کلیت جامعه است.

یافته‌های پژوهش

از مجموع ۲۲ جلد فهرست چاپ شده، جلد اول تا شش به کتاب‌های فارسی و بقیه مجلدات به آثار عربی اختصاص دارد^{۱۲}.

در فهرست‌های ایرانی مقوله‌هایی وجود دارد که نحوه انعکاس آنها باعث ایجاد تفاوت‌های چشمگیر در کار فهرست‌نگاران و همچنین پدید آمدن سه شیوه متفاوت در فهرست‌نگاری شده است. بر این مبنا، بعد از به دست آوردن فراوانی حضور عناصر سیاهه واری در فهرست‌نویسی فهرست‌نگاران کتابخانه ملی و بررسی تطبیقی آنها مشخص شد که شیوه کار در ۱۲ جلد اول تا حدودی به هم نزدیک است. بر این اساس، نتیجه میزان مطابقت این دوازده جلد (که توسط: انوار، منزوی، و عظیمی فهرست‌نویسی شده‌اند) با سیاهه واری، در نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱

درصد حضور هر یک از عناصر سیاهه واری در مجلدات اول تا دوازدهم فهرست‌های کتابخانه ملی

۱۱. کاربرد گاه‌های کتابخانه‌های بزرگ کشور و همچنین سیاهه واری مبنای گردآوری داده‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشد «بررسی وضعیت فهرست‌نویسی نسخ خطی در ایران و ارائه الگوی مناسب»

۱۲. جهت گردآوری داده‌ها و اطلاعات پژوهش تمام ۲۲ جلد از فهرست‌های کتابخانه ملی مورد بررسی‌های لازم قرار گرفت.

همانگونه که در نمودار ۱ مشاهده می شود برخی عناصر سیاهه و ارسی، از جمله سرشناسه قرار گرفتن پدیدآور، شناسه افزوده عنوان، شناسه افزوده اسامی سایر پدیدآوران، مستند شدن موضوع، و معرفی دو بخش نسخه شناسی و کتابشناسی در مدخل های اختصاصی برای هریک از آثار موجود در مجموعه ها، در هیچ یک از فهرست های مورد بررسی از این دوازده جلد وجود نداشت. بنابرین، میزان مطابقت با سیاهه و ارسی در این عناصر صفر درصد بود. در مقابل، برخی عناصر، از قبیل نوع کاغذ و نوع جلد به میزان ۱۰۰ درصد با سیاهه و ارسی مطابقت داشتند.

جدای از مطابقت با عناصر سیاهه و ارسی - که در دوازده جلد اول به گونه ای نسبتاً مشابه بود - در موارد جزئی تر، شیوه کار دارای تفاوت هایی است. برای نمونه، با وجود اینکه هیچ یک از فهرست ها در بخش «معرفی دو بخش نسخه شناسی و کتابشناسی در مدخل های اختصاصی برای هریک از آثار موجود در مجموعه ها» با سیاهه و ارسی مطابقت نداشتند، در نحوه عدم مطابقت آنها نیز تفاوت وجود دارد. برای مثال:

انوار: در مجموعه ها ابتدا تعداد کتاب های موجود در مجموعه را مشخص کرده و به آنها شماره فرعی داده است. سپس، خصوصیات نسخه شناسی مجموعه را یکجا آورده است. در مدخل معرفی هریک از کتاب های موجود در مجموعه، خصوصیات نسخه شناسی آن را جداگانه نیآورده است، مگر واجد شرایط نسخه شناسی خاصی بوده باشد و فقط خصوصیات کتابشناسی آن ذکر گردیده است.^{۱۳}

عظیمی (دوازدهم): ابتدا بخش کتابشناسی را معرفی کرده و در نهایت برای کل عنوان های موجود در مجموعه اطلاعات نسخه شناسی را یکجا با هم داده است.

نمونه دیگر از تفاوت در شیوه کار فهرست نگاران در مجلدات اول تا دوازدهم، تفاوت در شیوه نوشتن اسامی پدیدآوران اثر است. برای مثال:

انوار: مستند نکردن اسامی و نوشتن آنها به صورت غیر مقلوب و ذکر نشدن تاریخ دقیق ولادت و وفات نویسنده و صاحب اثر که در مواردی مشکلاتی را برای محقق پدید می آورد. مثلاً در فهرست برگه شماره ۱۰۲/ع در جلد ۷ (۱۳۷۹) نویسنده مختصر المعالی: سعدالدین تفتازانی معرفی شده است. ولی همین عنوان در فهرست شماره ۲۱۲۱/ع از منزوی (۱۳۷۵)، مسعود تفتازانی معرفی شده است. البته این ایراد مربوط به همه فهرست هایی است که اسامی را مستند نکرده اند.

عظیمی (جلد دوازدهم): به مستند کردن اسامی پدیدآوران توجه کرده است، ولی به صورت غیر مقلوب. در کار هر سه فهرست نگار مجلدات اول تا دوازدهم اسامی به صورت غیر مقلوب ذکر شده است.

۱۳. این ویژگی در تمام ۱۰ جلد از فهرست های استاد انوار وجود دارد.

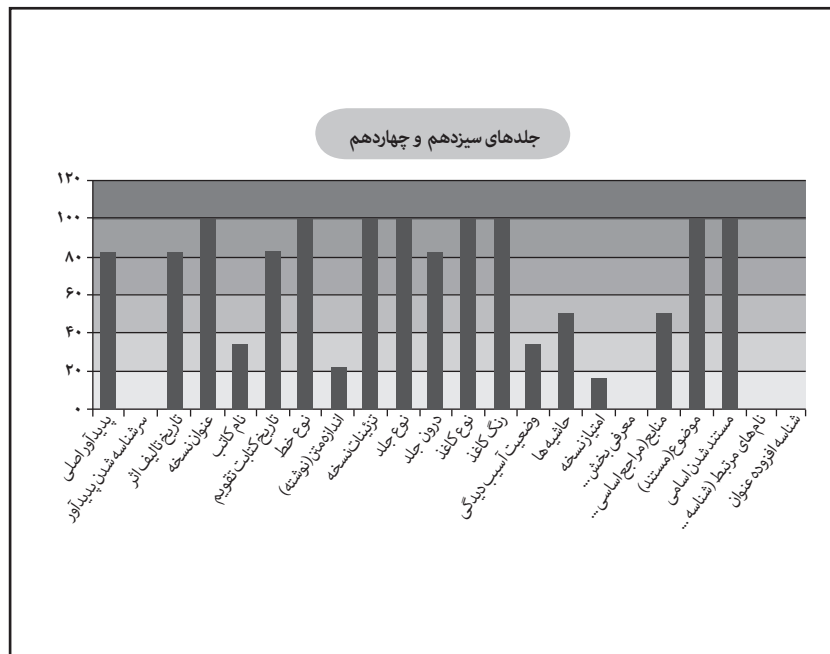
با توجه به موارد ذکر شده به نظر می‌رسد که در مجلدات اول تا دوازدهم هر فهرست‌نگار، به‌طور کلی علاوه بر رعایت ویژگی‌های بنیادی فهرست‌نویسی - از جمله تقسیم فهرست هر نسخه به دو بخش کتابشناسی و نسخه‌شناسی و ذکر برخی از ویژگی‌های نسخه‌شناختی اثر - سلیقه شخصی خود را نیز در فهرست‌نگاری دخالت داده است که به ذکر نمونه‌هایی از آن پرداخته شد. موارد منعکس شده در این بخش از ویژگی‌های فهرست‌نگاری شیوه میانه است.

برخی ویژگی‌های شیوه فهرست‌نگاری میانه عبارت است از:

۱. عدم مستند کردن اسامی و موضوعات،
۲. دادن تنها یک موضوع به هر کتاب،
۳. سرشناسه قرار دادن عنوان به جای پدیدآور، و
۴. اعمال سلیقه فهرست‌نویس در فهرست‌ها و عدم یکدستی روال فهرست‌نویسی (عظیمی و نازی، ۱۳۸۹).

با توجه به ویژگی‌های فهرست‌نویسی شیوه میانه و ویژگی‌های به‌دست آمده در مورد مجلدات اول تا دوازدهم، فهرست‌نگاری این دوازده جلد دارای شیوه میانه است.

شباهت نتایج به‌دست آمده از میزان و نحوه مطابقت جلد‌های سیزدهم و چهاردهم با عناصر سیاهه واری، به‌خصوص در عناصری که موجب تفکیک شیوه‌های فهرست‌نویسی میانه و مدرن نسخ خطی شده‌اند و میزان مطابقت آنها در کنار هم در نمودار ۲ آمده است.



نمودار ۲

درصد حضور هر یک از عناصر سیاهه واری در مجلدات سیزدهم و چهاردهم از فهرست‌های کتابخانه ملی

برخی ویژگی‌های این دو جلد، با توجه به نمودار ۲، عبارت‌اند از: عدم سرشناسه قرار گرفتن پدیدآور، عدم اختصاص شناسه‌های افزوده، و عدم معرفی دو بخش نسخه‌شناسی و کتابشناسی در مدخل‌های اختصاصی برای هریک از آثار موجود در مجموعه‌ها. از بُعد دیگر، تمامی عناصر سیاهه و ارسی، که در مجلدات اول تا دوازدهم وجود داشت، در این دو جلد نیز وجود دارد. برای مثال، مطابقت با سیاهه و ارسی در عناصری از قبیل: عنوان، نوع خط، نوع جلد، نوع و رنگ کاغذ، و عنوان به میزان ۱۰۰ درصد بود. علاوه بر موارد مذکور، در هر دو جلد این فهرست‌ها هم موضوعات و هم اسامی پدیدآوران مستند شده‌اند. با توجه به اینکه این دو جلد هم برخی از ویژگی‌های شیوه میانه را دارا بود (مانند سرشناسه قرار نگرفتن پدیدآور، عدم اختصاص شناسه افزوده و برخی عدم یکدستی‌ها) و در عین حال، دو ویژگی مهم شیوه مدرن (یعنی مستندسازی موضوعات و اسامی پدیدآوران) را نیز در برداشت؛ می‌توان ادعا کرد که دو مجلد دارای شیوه بینابین و می‌باشد. تحلیل داده‌های به دست آمده از میزان مطابقت مجلدات پانزدهم تا بیست و دوم با عناصر سیاهه و ارسی نشان داد که این مجلدات تمامی عناصر سیاهه و ارسی را کمابیش دارا بودند (نمودار ۳).

نمودار ۳

درصد حضور هر یک از عناصر سیاهه و ارسی در مجلدات پانزدهم تا بیست و دوم از فهرست‌های کتابخانه ملی



همانطور که در نمودار ۳ مشاهده می‌گردد در مجلدات پانزدهم تا بیست و دوم میزان مطابقت با عناصر سیاهه و ارسی برابر بود با:

مستندسازی اسامی پدیدآوران (۱۰۰ درصد)، مستندسازی موضوع (۱۰۰ درصد)، شناسه افزوده عنوان (۹۴ درصد)، شناسه افزوده پدیدآوران (۵۵ درصد)، سرشناسه قرار گرفتن پدیدآور (۱۰۰ درصد)، معرفی دو بخش نسخه‌شناسی و کتابشناسی در مدخل‌های اختصاصی برای

هریک از آثار موجود در مجموعه‌ها (۱۰۰ درصد)، نوع کاغذ (۱۰۰ درصد)، نوع جلد (۱۰۰ درصد)، عنوان (۱۰۰ درصد)، و رنگ کاغذ (۹۵ درصد).

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های شیوه مدرن فهرستنویسی نسخ خطی در کشور عبارت‌اند از:

۱. مستند کردن اسامی پدیدآوران،

۲. مستندسازی موضوع،

۳. سرسناسه قرار گرفتن پدیدآور، و

۴. اختصاص شناسه‌های افزوده عنوان و پدیدآور (نازی، ۱۳۸۹).

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که جلدهای پانزدهم تا بیست و دوم دارای شیوه فهرستنویسی مدرن می‌باشند.

علاوه بر اطلاعات به دست آمده توسط سیاهه و اراسی، مطالعه و مقایسه تطبیقی فهرست‌ها نشان داد که در مجلدات پانزدهم تا بیست و دوم، یکدست‌سازی روش کار فهرستنویسی نسبت به فهرست‌های قبلی بیشتر شده و میزان اطلاعات ارائه شده برای هر یک از بخش‌های کتابشناسی و نسخه‌شناسی دارای تناسب بیشتری است.

برای رسیدن به پاسخ سؤال سوم مبنی بر معنی دار بودن یا نبودن تفاوت حضور عناصر سیاهه و اراسی در فهرست‌های کتابخانه ملی، با توجه به دسته‌بندی حاصل شده از نتایج سؤال‌های اول و دوم، فهرست‌های کتابخانه ملی در سه دسته، به کمک آزمون کروسکال والیس بررسی شد.

sig	مجلدات پانزدهم تا بیست و دو		مجلدات سیزدهم و چهاردهم		مجلدات اول تا دوازدهم	
	میانگین رتبه‌ای	فراوانی	میانگین رتبه‌ای	فراوانی	میانگین رتبه‌ای	فراوانی
۰/۰	۹۱۰/۰۴	۱۴۳۶	۸۴۳/۷۱	۳۳۶	۸۰۲/۱۵	۲۰۱۶

جدول ۱

به دست آمده از آزمون کروسکال والیس برای نشان دادن سطح تفاوت حضور عناصر چک‌لیست

نتیجه حاصل از آزمون کروسکال والیس (جدول ۱) نشان داد که مقدار پی‌لیوی به دست آمده برابر با ۰/۰ و کوچک‌تر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین، تفاوت معنی‌داری بین شیوه فهرستنویسی و حضور عناصر سیاهه و اراسی در سه دسته فهرست‌های کتابخانه ملی (فهرست‌های دارای شیوه میانه، بینابین و مدرن) وجود دارد.

نتیجه‌گیری

بررسی فهرست‌ها نشان داد که براساس عناصر کتابشناختی ارائه شده در هر جلد از فهرست‌های مجلدات اول تا چهاردهم، جدای از رعایت دو بخش کلی و اساسی کتابشناسی و نسخه‌شناسی

برای هر فهرستبرگه، در کار فهرستنویسان، از لحاظ نحوه آوردن مدخل‌ها و میزان اطلاعات ارائه شده برای هر مدخل یکدستی وجود ندارد. کار فهرستنویسان در این مجلدات توأم با صلاح‌دید فهرستنویس در هر مورد است. یعنی اعمال سلیقه در فهرستنویسی نسخه‌های معرفی شده در این چهارده جلد اعمال سلیقه شخصی وجود دارد که این امر از ویژگی‌های شیوه فهرستنویسی سنتی و میانه است. نکته قابل توجه این است که نتیجه کار فهرستنویسی فهرستنگاران در فهرست‌های مذکور را می‌توان با همان ترتیب انتشار و اطلاعات کتابشناختی ارائه شده در آنها مرتب کرد. یعنی با وجود اینکه هنوز قواعد مدون مورد قبول همگان برای فهرستنویسی نسخ خطی در شیوه میانه وجود نداشته و ندارد، هر فهرستنویس سعی کرده به سهم خود به سمت قانون‌مدار کردن و ایجاد یکدستی تلاش کند و نسبت به کار فهرستنگاران دیگر چارچوب شفاف‌تری ایجاد کند. برای نمونه، در کار استاد منزوی نسبت به کار استاد انوار مقوله‌بندی و نظم مناسب‌تری را در بخش نسخه‌شناسی می‌بینیم. اگرچه در بخش مجموعه‌ها باز هم سلیقه‌گرایی وجود دارد. در مرحله بعد و در کار استاد عظیمی، حتی در هر جلد نسبت به جلد قبلی یکدستی بیشتری دیده می‌شود. از آن جمله است: تلاش جهت مستند کردن اسامی و موضوعات علاوه بر رعایت سایر نقاط مشترک با فهرست‌های قبل از خود.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از بررسی کلی، ۲۲ جلد فهرست مورد بررسی، شیوه‌های فهرستنویسی در دو شیوه میانه و مدرن جای گرفتند که عبارت‌اند از:

مجلدات اول تا دوازدهم دارای شیوه میانه، مجلدات سیزدهم و چهاردهم دارای شیوه‌ای بینابین و در مرحله گذار، و جلد‌های پانزدهم تا بیست و دوم نیز دارای شیوه فهرستنویسی مدرن. فهرست‌های دارای شیوه مدرن، بیشترین مطابقت را با عناصر سیاهه و ارسی دارند. همچنین، با استفاده از مطالعه تطبیقی بین سه دسته فهرست‌های مورد بررسی مشخص شد فهرست‌های دارای شیوه مدرن، در زمینه تدوین فهرست‌ها، روال یکدست‌تری دارند و در زمینه میزان اطلاعات ارائه شده در زمینه کتابشناسی و نسخه‌شناسی نیز از تناسب و اعتدال بیشتری برخوردارند. برای این امر می‌توان مزایایی چند برشمرد از قبیل:

۱. حرکت در جهت یکدست‌سازی کار فهرستنویسان مختلف.
۲. کمک به جست‌وجوگر به دلیل تفکیک مناسب مقوله‌ها و جلوگیری از ارائه اطلاعات به صورت خیلی مفصل برای هر کتاب. تفصیل اطلاعات در مواردی در فهرستبرگه‌های سنتی مایه خستگی جست‌وجوگر می‌شود.

۳. سروکار داشتن داشتن جست‌وجوگر با یک رویه فهرستنویسی به جای چند رویه. همچنین، بررسی حضور عناصر سیاهه و ارسی در ۲۲ جلد فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی توسط آزمون کروسکال و ایس نشان داد که از نظر انعکاس عناصر فهرستگاری نسخ

خطی در فهرست، در شیوه کار فهرستنویسان، تفاوت معنی داری وجود دارد.

منابع

- انوار، عبدالله (۱۳۷۹). *فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران*. ج ۷. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. خوشبخت، ملیکا (۱۳۸۹). «بررسی میزان پراکندگی اطلاعات کتابشناختی در پیشینه های خطی خانه کتاب و ارائه الگویی براساس FRBR». پایان نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- عظیمی، حبیب الله (۱۳۷۲). *فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران*. ج ۱۲. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- _____ (۱۳۸۷). «نگاهی نوبه فهرستنویسی نسخ خطی و پیوند میان شیوه های نو و سنتی». *آینه میراث*، ۶(۳). عظیمی، حبیب الله؛ نازی، ایوب (۱۳۹۰). «تحلیل فهرست نگاری نسخ خطی در ایران از جنبه وجود یا عدم وجود الگو در آن و ارائه راهکارهای بهبودی در جهت ایجاد قالب استاندارد ملی». *کتابداری و اطلاع رسانی*، ۱۴(۵۴).
- _____ (۱۳۸۹). «نسخ خطی خطی و فهرستنویسی آن در ایران». *کتابداری و اطلاع رسانی*، ۴۴(۵۲): ۷۰-۹۰.

منزوی، علینقی (۱۳۷۵). *فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران*. ج ۱۱. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. نازی، ایوب (۱۳۸۹). «بررسی وضعیت فهرستنویسی نسخ خطی در ایران و ارائه الگوی مناسب». پایان نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

Azimi, Habibollah; Nazi, Ayoob (2011). "The status of manuscripts cataloguing in large libraries in Iran". *Library Collections, Acquisitions, & Technical Services*. Retrieved July 15, 2009, from: <http://dx.doi.org/10.1016/j.lcats.2011.06.002>

E. Torre, Meredith (2007). "Cataloging and classification of illuminated manuscripts: Intellectual access for the pre-modern manuscript". *Library Student Journal*. Retrieved July 15, 2009, from: <http://www.librarystudentjournal.org/index.php/ljsj/article/viewFile/16/79>

Ghali Nasr, Walid (2007). "Different practices in manuscript cataloging in Egypt: How could they be reconciled?". *The 3rd Islamic Manuscript Conference, 28-31 Aug, University of Cambridge, UK:TIMA*. Retrieved July 15, 2009, from: www.islamicmanuscript.org/files/GHALI_Walid_2007_TIMA.pdf